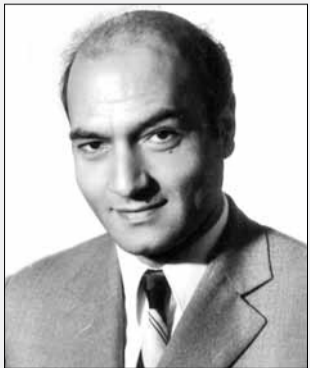
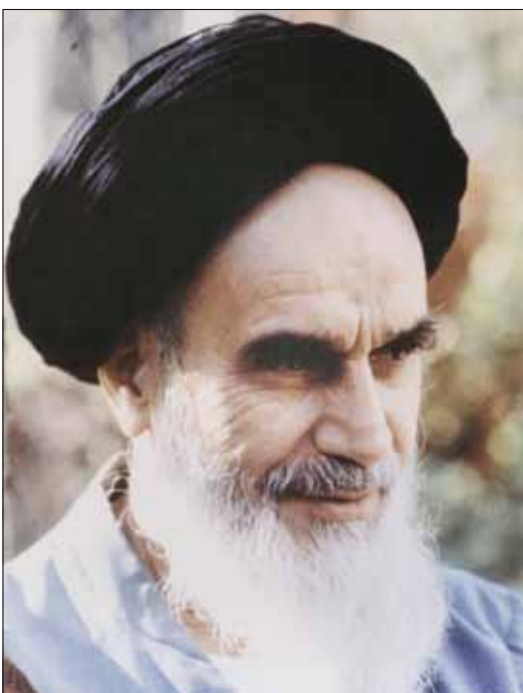


دکتر شریعتی و دغدغه «امت مسلمان»



درددل‌های دکتر شریعتی درباره چندپاره کردن امت اسلامی در سخنرانی‌ای که بیش از ۴۰ سال پیش انجام شده است خیلی به حرف‌های این روزهای درمندان جامعه اسلامی نزدیک است. در روزهایی که داعش یعنی پس از به دنیا آمدن از رحم غرب آتمکش به جان امت اسلامی افتاده است، تلاش‌های آمریکایی در عراق و سوریه و لبنان و دیگر کشورهای منطقه، استراتژی قطعه‌قطعه شدن امت اسلامی و نژادسالاری توسط حکمرانان دست‌نشانده را دوباره در پیش گرفته است. شریعتی در یکی از سخنرانی‌هایش در رابطه با تشکیل امت اسلامی به این مساله اشاره‌ای عمیق کرده است: «قومیت (ناسیونالیسم، شوینیسیم، راسیسم) که مز یک جامعه نژادی است، همیشه امت را که یک جامعه اعتقادی است قطعه‌قطعه می‌کند، چنانکه در جنگ اول جهانی، استعمار غربی با دمیدن روح قومیت‌گرایی، قدرت جهانی اسلام را از درون متلاشی ساخت و با زنده شدن حس قوم‌پرستی - که در اسلام مرده بود - ناگهان خلافت وسیع اسلامی به چندین قطعه تجزیه شد و آن پیکره عظیم، با تیغ ناسیونالیسم لقمه‌لقمه شد و هر لقمه راحت‌الحلقومی که غول استعمار غرب به‌راحتی بلعید و کشورهای اسلامی‌ای ساخته شد، یک - دو میلیون و بر سر هر کدام خانواده‌ای، قبیله‌ای یا دست‌نشانده‌ای نشاند، سرگرم کشمکش‌های مرزی با همسایگانش!» شریعتی در ادامه از بازگشت و ارتجاع سخن می‌گوید. عقبنگردی در دوران برتری نژادهای نودماه‌ها را برمی‌شمرد که همگی متعلق به عصر جاهلیتند. دکتر اینها را یک برنامه‌ریزی استکبار معرفی می‌کند و می‌آورد: «این بود که در اوایل قرن ۲۰ ناگهان در خلافت اسلامی، نهضت‌های پان پدید آمد. «پان‌عریسیم» و «پان‌ترکیسیم» و سپس «پان‌لیبیانیسم»، «پان‌ایرکیسیم» (تکیه بر عراق ۵-۴ هزار سال پیش، بابل و سومر و آکاد و...) و در مصر «پان‌کوتیتسیم» و وحدت‌قبیله‌ها در برابر عرب‌های (مصر) و در الجزایر «پان‌بریسیم» (وحدت بربرها علیه عرب‌ها) و همه کوشیدند تا ریشه‌های تاریخی و فرهنگی خود را به دورهای باستانی پیش از اسلام فرو برند؛ ترکا‌ها به عصر بیژانس نمود و نیز تاختار به عصر اموی که پیروزی عربیت بر روح انسانی اسلام است و ملت‌های دیگر بویژه ایرانی نیز در آن سهمیم است. نقش لارنس انگلیسی را می‌دانید؟» (تشیع علوی، تشیع صفوی، ص ۱۱۳، انتشارات سپیده باورن)

یکی از کسانی که با مستشرقان و بیگانگانی چون لورنس در معارضه بود، «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» بود. وی همه توان خود را برای جلوگیری از تجزیه عثمانی که یک حکومت اهل سنت هم بود، انجام می‌داد چرا که از سیاست‌های استکباری بیگانگان آگاه بود و می‌دانست پس از تجزیه چه بر سر امت مسلمان خواهد آمد. نزدیک به ۱۰۰ سال است که کشورهای مسلمان آمریکا از تلاش‌های وی در این زمینه انجام دادند. مهاجرت تبلیغی سیدجمال به «هند»، «آفریقا» و «مصر» و دیگر کشورهای مسلمان که با تأکید بر مشترکات امت اسلام صورت می‌گرفت تنها بخشی از تلاش‌های وی بود. نظریه هم‌گرایی جهان اسلام از سوی سیدجمال بر ۲ محور تأکید داشت: اول اینکه ۲ طرف از توهمین به یکدیگر رهبریز کنند و دوم اینکه برابر منافع غرب از منافع جهان اسلام دفاع کنند. مثلاً در جهان امروز کشورهای اسلامی همه با هم در برابر سلطه‌طلبی آمریکا و دیگر کشورهای سلطه‌گر بایستند، نه اینکه از راه دامن زدن به تفرقه و جدایی سبب حضور و تقویت بیگانگان در کشورهای اسلامی شوند. این روزها و در حالی که عدایه‌ای ممتنی‌های وهابی فتوا به کشتن و ترور مسلمانان جز شیعه و چه اهل سنت می‌دهند، رویکردهای مترقی و وحدت‌بخش تنها از سوی معدودی از علمای اسلام دنبال می‌شود.



سیر اندیشه «تقریب» در آرای متفکران مسلمان، از سیدجمال تا آیت‌الله خامنه‌ای

منادیان «وحدت»

هادی قاتمقامی

۱- اقدام اساسی برای عدم تفرقه میان مسلمانان و سعی فراوان به منظور دستیابی به وحدت کامل
 ۲- هم‌کاری با همه طوایف مذهبی لبنان و تلاش برای حفظ وحدت در کشور
 این خلمشسی‌ها پس از یک هفته، در اولین بیانی‌های که از سوی مجلس اعلا صادر شد، دوباره منعکس و مورد تأکید قرار گرفت و در سراسر لبنان در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شد. وی در این عرصه، به سخنرانی و صدور بیانییه بسنده نکرد بلکه وارد میدان عمل شد. در آذرماه ۱۳۴۸ (اکتبر ۱۹۶۹) نامه‌ای تاریخی به مفتی اعظم وقت لبنان آقای شیخ حسن خالد نوشت و در آن با طرح نکات ظریف و دقیق پیرامون وحدت بین مذاهب، خواستار یکی شدن آنان، افق شرعی، رویت هلال ماه رمضان و سایر اعیاد و تعطیلات اسلامی شد.
 امام خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی یکی دیگر از منادیان وحدت در جهان اسلام است. شاگردان امام(ره) نیز در این راه همواره پیشگام بوده‌اند. آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، شهید دکتر مطهری و رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه نظر و عمل این راهبردی متعالی را پیش برداشتند. بینش امام خمینی(ره) این است که روابط کشورهای اسلامی، اگر معطوف به اشتراک عقیده، وحدت کلمه و دیگر مشترکات باشد، اختلافات و زمینه‌های جدایی فروکاسته می‌شود و هویت جدید و فعالی بسروز و ظهور می‌نماید. در نگاه امام خمینی(ره)، اختلافات مسلمانان، ریشه در طبیعت، جغرافیا، زبان و فرهنگ‌های بومی و از همه مهم‌تر، توطئه‌ها و ترفندهای سلطه‌طلبان عالم دارد که با تکیه بر عناصر یادشده، سعی در تشدید اختلافات، تفرقه و برجسته کردن نقاط افتراق دارند. اختلافات میان کشورهای اسلامی، باید براساس اصول و روش‌های استراتژیک مرتفع شود. گفت‌وگو، تفاهم، تقریب، احساس مشترک و باور به سرنوشت مشترک، مقوله‌های وحدت‌ساز را تشکیل می‌دهد. امام می‌گوید: «اگر مسلمانان، آن عزت و عظمتی را که در صدر اسلام داشتند، بازیند، به اسلام و وحدت کلمه روی آورند، آن اتفاق بر محور اسلام بود که آن قدرت و شجاعت ماقوق‌الطبیعه را به وجود آورد». امام همواره وحدت را در تمام مراحل زندگانی سیاسی و دینی خویش مدنظر داشته و نه‌تنها قبل از پیروزی انقلاب که دشمن مشترک، تمام‌اقتدار جامعه را تهدید می‌کرد، به وحدت می‌اندیشید بلکه پس از پیروزی نیز بر آن پای می‌فشرد و وجود آن را از علل محدثه و مبقیه انقلاب اسلامی اعلام می‌کرد. امام وحدت را «عامل قدرت» و تفرقه را موجب «سستی پایه دینات» تلقی کرده و هشدار می‌دهد: «تفرقه موجود در دین کشورهای مسلمان با از خیانت سراق ممالک اسلامی یا از جهل و بی‌اطلاعی آنان است. سنی و شیعه مطرح نیست، در اسلام کرد و فارس مطرح نیست، در اسلام همه برادر و با هم هستیم. یک دسته از مسلمانان، سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای اخباری هستند... در جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید مطرح شود. ما همه برادر و باهم هستیم... اینها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با

دلسوزی و پشتکار و سستی عالمان دین می‌دانست: «اگر عامه مردم عذری برای غفلت و سستی خود از انجام تکالیف الهی داشته باشند و از عمل به وظایف خود غفلت کنند علمای آنان چه عذری دارند؟ و حال آنکه حافظ شریعت و دانا در علم الهی و دینی هستند. اینها چرا در جمع کردن تفرقه مسلمانان کوشش می‌کنند؟ چرا در به وجود آوردن وحدت و یگانگی میان همه مسلمانان تلاش نمی‌نمایند؟ چرا در حدود قدرت و دانش خود جهت تقویت آمال مسلمین قدم برنمی‌دارند؟»
 یکی از متفکرانی که نماد عملی وحدت در جهان اسلام است، امام موسی صدر است. یکی از دغدغه‌ها و آرمان‌های مقدس امام موسی صدر در طول فعالیت‌های دوران حیات، وحدت امت اسلامی (ره) در سرتاسر جهان بود. او از آغاز جوانی که در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل داشت، در این اندیشه بود و در محافل جوزوی و در محضر اساتید، پیوسته پیگیر آن بود. در سال ۱۳۲۶ شمسی که کمتر از ۲۰ سال داشت، وقتی از ورود علامه امینی به تهران آگاه شد، فرصت را غنیمت شمرد و با یکی از دوستان (آیت‌الله موسوی‌اردبیلی) به دیدار علامه در تهران شتافت و در محضر آن عالم بزرگ، ضمن طرح بحث‌های علمی گوناگون، از ضرورت وحدت میان مذاهب اربعه در مقابل دشمن مشترک سخن گفت و از آن دفاع کرد.
 در سال ۱۳۲۸ در همان بدو ورودش به لبنان، بدون فوت وقت، شالوده روابط صمیمانه با علمای اهل تسنن را در شهر صور پی‌ریزی کرد. از جمله با محی‌الدین حسن (مفتی اهل سنت) ارتباط دوستانه محکمی برقرار کرد، تا جایی که در اکثر مناسبت‌ها مانند: عید غدیر، شب‌های رمضان، ایام عاشورا و تاسوعا، این دو در کنار هم بودند و در یک مکان مشترک مثل «مسجد قدیم» یا «حادی امام صادق(ع)» به منبر می‌رفتند و مردم، ام از شیعه و سنی پای سخنان آنها می‌نشستند؛ به‌گونه‌ای که اگر فردی خارج از شهر صور به این مجلس وارد می‌شد، تشخیص نمی‌داد کدام یک از اهل تسنن و کدام از تشیع هستند.
 امام موسی صدر بر آن بود که هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست و اینها پیروان ۲ مذهب از یک دین‌اند. او با همین بینش به تلاش‌های وحدت‌بخش خویش ادامه داد تا اینکه در تابستان ۱۳۴۲ش طی سفری ۲ماهه به کشورهای شمال آفریقا، در یک اقدام ابتکاری، ارتباط مستمر و کارآمدی را میان مراکز اسلامی کشورهای مصر، مغرب و الجزایر با حوزه‌های علمی و مراکز مهم شیعی در لبنان برقرار کرد.
 یکی از کارهای مهم و سرنوشت‌ساز امام موسی صدر در لبنان تشکیل «مجلس اعلا» برای دفاع از حقوق اجتماعی کشور بود. او در روز تصدی ریاست این مجلس به تاریخ جمعه ۱۳۴۸/۲/۲۲ (۲۳ مه ۱۹۶۹م) طی سخنانی پرشور در حضور رجال علمی، سیاسی و اجرایی لبنان، از جمله آقای ششار خلوت، رئیس‌جمهور وقت، ضمن تشریح برنامه‌ها و خطوط کلی مجلس، بر ۲ بند زیر تأکید دوچندان داشت:

اندیشه‌های غنی و همه‌سونگر این متفکر بزرگ و توانا محسوب می‌شود. ایشان وحدت را ضروری‌ترین نیاز عصر می‌دانند: «ما باید این را بدانیم که در این عصر از هر عصر دیگر مسلمانان بیشتر به اتحاد و رفع اختلاف احتیاج دارند.»^(۱) او سپس به بیان این نکته می‌پردازد که افتخار شیعیان بر خورورداری و پیروی از شخصیتی است که بیشترین گذشت‌ها را برای مصلحت اسلام که همانا وحدت مسلمین است انجام داده. استاد از آنجا که اسلام را دینی می‌داند جامع که برای تمام اعمال فردی و اجتماعی او برنامه‌ای مدون و از پیش تهیه شده در دست دارد، نسبت به اجتماعیات دغدغه و افری دارند، چرا که فرق اسلام و مسیحیت شاید در همین باشد که اسلام دینی است با ابعاد اجتماعی لذا در نگاه ایشان، وحدت جهان اسلام باید از اساسی‌ترین مباحث مطروحه در مصادیق امر به معروف و نهی از منکر باشد: «اسلام به اتفاق و اتحاد مسلمین فوق‌العاده عنایت دارد و وحدت اسلامی یکی از هدف‌های بزرگ اسلام به شمار می‌رود و بر مسلمانان مخصوصاً داعیان خیر و ارشادکنندگان خلق و آمران به معروف و نهی از منکر است که در طریق تحقیق این هدف بزرگ اسلامی کوشش کنند.»^(۲) از نگاه شهید مطهری ضرورت اتحاد و انسجام اسلامی وقتی درک می‌شود که نگاه به زندگی، نگاه اجتماعی باشد. انسانی که بر این باور است که بدون تعامل و ارتباط با سایر انسان‌ها می‌تواند به سمت کمال مطلوب خویش حرکت کند، اساساً خارج از دایره ناگزیر معاش، نیازی به ارتباط جمعی نمی‌بیند تا ضرورت اتحاد و جمع و جماعت را دریابد. شهید بهشتی نیز از پیشگامان موضوع وحدت است. ایشان با شرح روایتی از امیرالمومنین(ع) به گفت‌وگوی آن حضرت با حضرت زهر(س) اشاره می‌کند و می‌گوید: نمی‌شود به اسم حضرت زهر(س) وحدت را از بین برد. حضرت علی می‌فرماید: «فاطمه جان! کدایمیک را مقدم می‌داری؟ جلوگیری از ستم بر خود یا حفظ این آنان؟» گفت: «حفظ این آنان را مقدم می‌دارم.» گفت: «پس اعلام می‌کنم اگر قرار است این آنان حفظ شود، باید شکیبا و بردبار باشی.» در بخشی از یک گفتار از دکتر بهشتی پیرامون وحدت آمده است: آنچه قرآن و آنچه سنت و عزت همواره بر آن تکیه کرده این است که قرار نیست فاسد اسم بماند، بلکه باید مسما بماند، بنابراین آنچه مولا علی(علیه‌السلام) به زهرا (س) فرمود که زهرا جان اگر قرار باشد قدمی در راه دفع ستم از تو بردارم آنان از بین خواهند رفت، نه فقط ظاهر آنان، بلکه از بین رفتن اسمی به نام امت اسلام بود. وقتی امروز ما به یاد زهر(س) (السلام‌الله علیها) جلسه تذکر تشکیل می‌دهیم تا به آستان مقدس حضرتش ادای احترام و ارادت و اخلاص کنیم، به کدام زهر است؟ زهرایی که در زمان زندگی‌اش همه چیز را تحمل می‌کرد تا میباد به هم پیوستگی اجتماعی، عملی، سیاسی و وحدت‌تضمینی و سرنوشت اسلامی آسیب ببیند. آیا امروز جایز است به‌عنوان اظهارِ اخلاص به چنین بانویی، از وحدت سرنوشت اسلامی چشم‌پوشیم و بگوییم و بکنیم آنچه به این وحدت آسیب می‌رساند؟ هرگز. همین‌جاست که بینش اسلامی و تشیع ما و دوستان ما از بینش دیگران جدا می‌شود و ما بر این جدایی سخت فشاری می‌کنیم. ما می‌گوییم کسی علی(ع) کسی است که دنباله‌رو علی باشد، نه کسی که علی علی بگوید ما عملش متخلف از عمل علی(ع) باشد.

رهبر معظم انقلاب نیز در شرایط خطیر جهان اسلام با هوشمندی وحدت را ضروری‌ترین امر در میان مسلمانان می‌دانند. ایشان در گفتاری می‌گویند: اگر ملت‌های کشورهای اسلامی در همه این منطقه وسیع - که یک کسر بسیار بزرگی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند- نه در جزئیات، [بلکه] در جهت‌گیری‌های کلی با یکدیگر همراه باشند، دنیای اسلام به لوج ترقی و تعالی خواهد رسید، [اینکه] در مسائل کلی کنار هم دیده‌بشوند، همین دیده‌شدن در کنار هم تأثیر دارد. همین‌قدر که ما ولو در اظهاراتمان کنار یکدیگر قرار بگیریم، عظمت می‌بخشد به دنیای اسلام، عظمت می‌بخشد به شخصیت امت اسلامی. هرجا نمونه‌هایی از این اجتماع را ما مشاهده کردیم، ولو تن‌ها، جسم‌ها در کنار هم قرار گرفتند، دیدیم انعکاس آن در دنیا مایه شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد، مایه آبروی پیغمبر(ص) شد.»^(۳)

پی‌نوشت:

۱- «العروة الوثقی» سیدجمال‌الدین الافغانی و شیخ محمد عبده/ ۱۳۱ دارالکتاب العربی

۲- «زندگی و سفرهای سیدجمال» علی اصغر حلبی/ ۵۵

۳- «العروة الوثقی»/ ۸۶

۴- نامه سفید، ص ۱۶، ص ۱۶

۵- الامام الصدر و الخوار، مرکز الامام الصدر للابحاث و الدراسات، بیروت، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹

۶- اسرار روده شده، ص ۴۴

۷- ترجمه فارسی این نامه در کتاب «امام موسی صدر، امید محرومان» آمده است.

۸- وحدت اسلامی از منظر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، محمدحسین بهزادی

۹- حکیم، شهیدمحمد باقر، وحدت اسلامی از دیدگاه کتاب و سنت، عبدالهادی فقهی‌زاده، نشر تبیان، ص ۱۳۵

۱۰- جاوید موسوی، سیدحمید، اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت‌الله مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶

۱۱- یادداشت‌های استاد مطهری، انتشارات صدرا، ص ۲۰

۱۲- بیانات در دیدار مسؤولان نظام و میهمانان بیست‌وهشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی/ ۱۹-۱۰/۱۳۹۲